

خدا را در مقابل خود احساس کردن آنچه در طی ماه مبارک رمضان در این سستون تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود بیان دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب درباره جایگاه دعا در منظومه عقاید الهی و نقش آن در رشد و تعالی فرد است. نگاه حضرت آقا به دعا این است که باید از این خزانه گرانبها که فراوان از انهد(ع) به ما به یادگار رسیده استفاده کنیم و معارف بلند آنها را استخراج و به جامعه و نسل جوان عرضه نماییم. این غفلت و نقص فراگیر بارها توسط معظم‌له هشدار داده شده است. توفیق همکلام شدن با پروردگار، مناجات و صحبت خودمطای با حضرت حق خلیلی با ارزش‌تر از پادشای‌های دنیوی و حتی اخروی است. ایشان این فایده را مهم‌ترین و درک این اهمیت را کلیدی‌ترین نکته میحث دعای دانند. مطالب مطرح شده در این ستون از کتاب دعا، چاپ انتشارات مؤسسه فرهنگی انقلاب اسلامی بر گرفته شده است. نخستین بخش از این سلسله مطالب از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

« معنای دعا این است که شما با خدا حرف بزنید؛ خدا را در مقابل خود احساس کنید و حاضر و ناظر بنمایید اینکه انسان همین‌طور طبق عادت چیزی را بر زبان بیاورد و مطالبه‌های را ذکر کند- خدا یا ما را بیامر، خدا یا پدر و مادر ما را بیامر؛ بدون اینکه در دل خود حقیقتاً حالت طلبی را احساس کند، این دعا بی‌اثر است. «لا یَقْبَلُ اللهُ دَعْوَةَ قَلْبٍ لَیْءٍ»(الکافی ج: ۲ ص: ۲۲۲)؛ دل غافل و بی توجه و سر بهوا اگر دعا کند، خدای متعال دعایش را قبول نمی‌کند. دل‌های آلوده و غرق در تمئّیات و شهوات نفسانی - که اصلاً غافلند- چگونه دعا خواهند کرد؟ چه توقّعی است که اگر انسان این‌طور دعا کرد، مستجاب شود؟(۸۲/۲/۲۹)

« **تَرَبُّبٌ إِلَى اللَّهِ**»

« نفس دعا کردن، تَرَبُّبٌ اِلَى الله است.(۷/۱/۲۷)

« **اِنْسِ بِخُدا**»

« گاهی هم دعا حاجت خواستن نیست، فقط انس با خداست.(۸۵/۷/۲۱)

« **حرف زدن با پروردگار**»

با خدای متعال سخن گفتن، حرف دل را با او در میان گذاشتن « دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن.(۸۲/۲/۲۹)
خود حرف زدن با پروردگار، خود تَفَرُّع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عنبرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفیات است، بالاترین جنبه‌های است که در دعا وجود دارد.(۷/۱/۲۷)
« هر چه که می‌خواهید با خدا حرف بزنید؛ این، دعاست. هر چه می‌خواهید با او در میان بگذارید،حلالا می‌تواند به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد. (۸۵/۷/۲۱)»

« این دعاها را در اختیار ما گذاشت‌اند. کیفیت حرف زدن و مناجات کردن با خدا را به ما یاد داده‌اند. معین کرده‌اند که چه حرف‌هایی را می‌شود با خدا زد. بعضی از این جملات تدعیه ماثوره از اَنُمَد(ع) هست که اگر اینها نبود، آدم نمی‌توانست تدعیه بخواند یا تدعیه بدهد که می‌شود با خدا با این زبان حرف زد و این‌طور از خدا خواست و التماس کرد.(۶۹/۱/۱۸)

« **بیان خواست‌های فطری انسان**»

« اگر کسی معنای دعا، مثلاً دعای ای حمزه ثمالی، یا دعای امام حسین (ع) در روز عرفه را بفهمد و توجّهی کند امکان ندارد از این دعای به این بلندی خسته شود. یعنی این گفت‌وگو نیست که در این دعا انجام گرفته، بین آن بنده بزرگزیده و شایسته و با معرفت و خدا، این‌قدر پُرزاده و نافذ و حقیقی است یعنی بیان‌کننده آن خواست‌های فطری انسان است که امکان ندارد کسی هیچ‌وقت از آن خسته شود.(۷۶/۱/۱۴)

« **خواستن**»

« دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن، خواستن، یعنی امیدواری. تا امید نداشت‌ه باشید، از خدا چیزی را درخواست نمی‌کنید. انسان ناامید که چیزی طلب نمی‌کند، پس دعا یعنی امید، که ملازم با امید به اجابت است.(۶۹/۱/۱۰)
دعا قیاب ابزارهای مادی نیست. این‌طور نیست که وقتی انسان می‌خواهد به مسافرت برود، یا با خودرو و قطار و هواپیما عازم شود و یا با دعا برود! همچنین این‌طور نیست که اگر انسان بخواهد وسیله‌ای به دست آورد، یا پول خرج کند و یا اگر پول نداشتش به دعا متوسّل شود و آن وسیله را به دست آورد! معنای دعا این است که شما از خدا بخواهید تا او این وسایل را جور بیاورد. آن‌وقت علل مادی، هر کدام که در جای خودشان قرار می‌گیرند دعا می‌مستجاب این‌گونه است.(۷۳/۱/۲۸)

« **دعا، روح عبادت**»

« در روایت وارد شده است که: «دَعَاةٌ مِّنْ الْعِبَادَةِ»وسائل الشیعهٔ ج:۷ ص:۲۷)؛ مغز عبادت، یا به تعبیر رایج ماهار، روح عبادت، دعاست. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن.(۸۲/۲/۲۹)

« **بهرین عبادت**»

« مغز هر عبادتی، دعاست. عبادت برای همین است که بتواند انسان را در مقابل خدای متعال خاشع و دلش را از زمین طبع و تسلیم کند. این اطاعت و خشوع در مقابل خداوند هم از نوع تواضع و خشوع و خضوع انسانها در مقابل یکدیگر نیست؛ بلکه به معنای خشوع و خضوع در مقابل خیر مطلق، جمال مطلق، حُسن مطلق و فضل مطلق اوست. لذا دعا، یک نعمت است و فرصت دعا کردن، یک نعمت است.(۸۵/۷/۲۱)
« دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند و برای تقویت روح عبودیت در انسان است و این روح عبودیت و احساس بندگی در مقابل خداوند، همان چیزی است که انبیا الهی از اول تا آخر، تربیت و تلاششان متوجه این نقطه بوده است که روح عبودیت را در انسان زنده کنند.(۸۵/۷/۲۱)»

حقیقت تسلیم و ابطال آن

یکی از واقعیت‌هایی که در جهان وجود دارد توانایی‌هایی است که انسان‌های مختلف دارند. آنان با تاثیرات کلامی یا فکاری می‌توانند در دیگران تصرفات مثبت و منفی داشته باشند. قدرت انرژی، امری نهان یا بیگانه نیست بلکه واقعیتی انکار ناپذیر است.

علوم غریبه از جمله سحر و جادو و مانند آنها نیز امری واقعی است که گاه مطلق حقیقت و گاه بر خلاف حقیقت است، البته باید توجه داشت که گاه واقعیتی حقیقت نیست چنان‌که هر حقی به شکل واقعی که در جهان تحقق نیافته است، برخی از واقعیت‌ها باطل و برخی حق هستند.

سحر و جادو واقعیتی است که می‌تواند حق باشد و می‌تواند باطل باشد. به نظر می‌رسد که جنبه باطلی سحر و جادو بیشتر از جنبه حق آن باشد؛ زیرا گرایش بیشتر مردم به سحر و جادوی باطلی است که موجب همه به خودن تعادل و ایجاد اختلاف و دشمنی میان مردم و به ویژه همسران می‌شود.

خداوند در آیه ۱۰۲ سوره بقره از واقعیت سحر سخن گفته و آن را امری خرافی بر نمی‌شمارد؛ اما هشدار می‌دهد که بیشتر مردم از سحر و جادو به عنوان ابزار باطل و مقاصد شوم استفاده کنند.

تاکید بر ماهون بودن در آیه به این دلیل است‌که سحر و سحر و جادو در چارچوب قوانین الهی انجام می‌شود حتی اگر باطل باشد و این‌گونه نیست

که ساحر بیرون از حکومت و مملکت خدا عمل می‌کند. به این معنا که تصرفات ساحر همانند شیطان در دایره مشیت الهی و اذن کلی اوست.

درباره ابطال سحر و جادو می‌توان از سوره‌های معوذتین یعنی فلق و ناس و همچنان آیه ۱۰۲ سوره بقره بهره گرفت و سحر ساحران و جادوی جادوگران را باطل کرد.

قربان و خویشاوندی به نسب یا همان پیوند مبتنی بر «رحم» است که به واسطه والدین تحقق می‌یابد؛ هرچند که در اصطلاح عام آن، خویشاوندی فراتر از نسب، با سبب نیز تحقق می‌یابد که بر این اساس افزون بر پیوند خویشی با رحم با دامادی نیز محقق می‌شود که از آن به خویشی با اسباب یاد می‌شود. انسان‌ها دارای دو نوع خویشاوندی نسبی و سببی هستند(فرقان، آیه ۵۴)
از این‌گونه در ساحت ربوبیت، آیات الهی در ساسحات گوناگون خود را نشان داده؛ زیرا خدا از آبی به نام تطفه، آفریده‌ای به نام بشر می‌آفریند و آن را پرورش می‌دهد و برای پیوندهای اجتماعی میان آنان، نسبت خویشی را با «نسب و سبب» فراهم می‌آورد و اجتماعی مبتنی بر مودت، محبت، رحمت، ایثار و احسان ایجاد کند. (همان)

از نظر قرآن، رابطه خویشاوندی در میان انسان‌ها چنان قوی و مستحکم است که گاه این رابطه‌ها که از حد اقسراط می‌گذرد موجب می‌شود تا شخص از جاده حق و عدالت خارج شود و حتی علائق خویشاوندی را بر حق و عدالت و نیز محبت خدا و رسولش و جهاد در راه خدا ترجیح دهد که این امر بر خلاف ایمان و نشانه فسق و انحراف از راه خدا است.

هر چند که از نظر قرآن، میان خدا با خلق هیچ‌گونه خویشاوندی و رابطه نسبی و سببی نیست و او از این امور منزه و پاک است(صافات، آیات ۱۵۸ و ۱۵۹)؛ زیرا همه هستی مظاهر تجلیات انوار اسماعی الهی هستند، اما یکی از برترین آیات خدا در هستی، ایجاد نظام پیچیده خویشاوندی نسبی و سببی میان انسان‌ها است تا بتوانند از آثار شگفت آن بهره‌مند شوند.(فرقان، آیه ۵۴)

از نظر قرآن، رابطه خویشاوندی در میان انسان‌ها چنان قوی و مستحکم است که گاه این رابطه‌ها که از حد افراط می‌گذرد موجب می‌شود تا شخص از جاده حق و عدالت خارج شود و حتی علائق خویشاوندی را بر حق و عدالت و نیز محبت خدا و رسولش و جهاد در راه خدا ترجیح دهد که این امر بر خلاف ایمان و نشانه فسق و انحراف از راه خدا است.(توبه، آیات ۲۳ و ۲۴)

رابطه خویشاوندی آثار مثبت و منفی دارد که از جنبه‌های مثبت آن می‌توان به: ارث بردن از خویشاوندان در طبقات سه گانه ارث(نساء، آیه ۲۳؛ انفصال، آیه ۷۵؛ احزاب، آیه ۶)، عامل امنیت از تعرضات دیگران(هوده، آیه ۹۱)، مسئولیت‌آوری و پیدایش حقوق ویژه(بقره، آیات ۸۳ و ۱۷۷ و ۱۸۰ و ۲۱۵)، ترجیح محبت خویشی بر دیگران(توبه، آیه ۲۴)، جواز خوردن از خوارکی‌های خانه

شبهه: تعابیری از قبیل «قل» که بیانگر خطاب خدا به پیامبر است تا دستور الهی را به‌چشم می‌خورد، پرسشی که مطرح است این است که راز و رمز وجود این تعابیر در قرآن چیست؟ خدا به پیامبر دستور داده است تا فرمان خدا را انجام دهد، مأموریتی پیامبر ابلاغ فرمان خداست، پس چه ضرورتی دارد که تعبیر «قل» (=بگو) نیز در قرآن حفظ شود؟ خواندن آن برای ما چه فایده‌ای دارد؟ پاسخ: «قل» فعل امر مخاطب از ریشه «ق و ل» و فعل «قال» بَیْوَلُ و در معنای «بگو» است. این فعل بیش از سیمصد بار در قرآن به‌کار رفته است. این پنج سوره جن، کافرون، فلق، ناس و توحید با این فعل شروع شده‌اند. در اکثر موارد^(۱) این فعل خطاب به پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و در راستای ابلاغ وحی الهی است. با توجه به اینکه مسئولیت پیامبر ابلاغ و گفتن همه آیات قرآن به مردم بوده است، اعم از اینکه خداوند «قل» را با بگوید یا نگوید، این سؤال پیش می‌آید که چرا این فعل در قرآن آورده شده است؟

چرایی آمدن «قل» در قرآن

درباره چرایی آمدن فِعل امر «قل» در قرآن ادله مختلفی بیان شده است. در ادامه این ادله را باهم مرور می‌کنیم:

۱. آوردن فعل «قل» تأکیدی است بر اینکه گفت‌وگو بین قرآن همگی به فرمان خدا و عین منطق پروردگار است، نه نظرات شخص پیامبر خدا^(۲)
قرآنی در تفسیر نور در همین زمینه گفته پیامبر می‌کاهد، زیرا می‌فهمند که سرکارشان با خداست و پیامبر تنها مأمور است.^(۳) چنان‌که

آوردن کلمه «قل» ثابت می‌کند که «وحی جوشی از باطن پیامبر یا سخنی تراویده از ذوق و اندیشه حضرتش نیست، بلکه پیامی از جانب خداست»^(۴) و پیامبر هیچ دخالتی در آن ندارد.^(۵)

۲. شروع سوره یا آیه با «قل» نشانه اهتمام و عنایت ویژه خداوند نسبت به آن مطلب است؛ درنتیجه، هم‌خوب فهماندن آن مطلب و هم دانستن آن، لازم است.^(۶)

۳. سواردهی که در قرآن با کلمه «قل» آغاز می‌شود ناظر به رسالت پیامبر و ابلاغ پیام ویژه الهی است. «قل» یعنی با این پاسخ، رسالت خود را ایفا کن و نظر دل و مکتب را در این زمینه به مردم بگو»^(۷)
طالقانی در همین زمینه گفته است: «هر «قل» در این سوره [فلق] و سوره بعد [انس]– مانند سوره الکافرون و اخلاص و دیگر امراهی «قل» که بسیار در قرآن آمده – فرمان‌هایی است از جانب

معارف MaarefKayhan@Kayhan.ir

جایگاه رابطه خویشاوندی در قرآن



خویشان‌نور، آیه ۶۱)، جواز نگاه به آنان(نور، آیه ۳۱؛ احزاب، آیه ۵۵)، برخورداری از حمایت از یکدیگر در دنیا(احزاب، آیه ۲۹؛ فاطر، آیه ۱۸)، آیات ۱۵۸ و ۱۵۹)؛ زیرا همه هستی مظاهر تجلیات انوار اسماعی الهی هستند، اما یکی از برترین آیات خدا در هستی، ایجاد نظام پیچیده خویشاوندی نسبی و سببی میان انسان‌ها است تا بتوانند از آثار شگفت آن بهره‌مند شوند.(فرقان، آیه ۵۴)

حقوق خویشاوندی شامل اموری چون: احسان، ارث، ولایت و سرپرستی، اطعام، انفاق، خوردن از خوراکی‌های خانواده‌ای اقوام، صلّه رحم، عفو و گذشت از خطاها و لغزش‌ها و برخورد کریمانه، تأمین نیازهای آنان، رفتار ملاطفت‌آمیز و گفتار پسندیده وصیت به پرداخت اموالی در حد متعارف به آنان در هنگام احتضار می‌شود.

خویشان‌نور، آیه ۱۵۲)، تافخر (کهف، آیه ۳۴)، حرمت ازدواج با خویشان(نساء، آیه ۲۳)، زمینه انحراف و تمایل به دشمن(ممتحنه، آیات ۱ و ۳)، عامل انحراف و رویگردانی از فرمان خدا و پیامبر(توبه، آیه ۲۴) و مانند آنها اشاره کرد.

حقوق خویشاوندی

چنان‌که گفته شد یکی از آثار مثبت خویشاوندی، حقوق ویژه‌ای است که خدا برای خویشاوندان اثبات کرده است. این حقوق خویشاوندی از آیات الهی، برای خوردزی است که عاقلان با تعقل در آنها استفاده می‌کنند. جواز خوردن از خوارکی‌های خانه

شبهه ها و پاسخ ها

راز و رمز تعبیر «قل» در قرآن

قرآن کریم بر مبنای امر گفتاری «قل»، اثر گذاری فرهنگی در جامعه ایمانی و حتی غیر ایمانی را محدود به شخص یا گروه خاصی نمی‌داند. قرآن مؤمنان را به این باور می‌رساند که تک تک آنان، چه در جایگاه اکثریت و چه در جایگاه اقلیت ایمانی، بایستی کُنشگر و آموزگار فرهنگی باشند و خود را معاف از نقش فرهنگی ندانند.

خداوند به پیامبر اکرم که به‌عنوان مقام نبوت، باید به دیگران اعلام شود– تا دیگران به مضمون مورد فرمان آگاه شوند و یا بیش از آگاهی پیروی نمایند»^(۱)

۴. هرچند «قل» در بدو امر خطاب به پیامبر بوده، اما این «قل» در قرآن نیز ذکر شده تا همه مسلمانان متوجه شوند که آنان نیز موظف به ابلاغ و گفتن قرآن هستند.^(۲) برخی همه موارد استعمال «قل» در قرآن را بررسی و به این نتیجه رسیده‌اند که آمدن این فعل در قرآن حامل این پیام است که: «بخش وسیعی از معارف اسلامی و انتقال فرهنگ دینی اولاً از طریق گفتار قابل انجام است و نیازی به انجام رفتار نَسَاده؛ ثانیاً به‌صورت کُنش فردی، قابل اجراءست و لزوماً نیازمند اقدام جمعی نیست.» مطابق این تحقیق «قرآن کریم بر مبنای امر گفتاری

خداوند بسا آوردن فعل امر «قل» در قرآن به دنبال سه هدف بوده است: ۱. ترویج فرهنگ گفت‌وگو که البته لزوماً اختصاصی به خلق ندارد و شامل خلق نیز می‌شود؛ ۲. مسئولیت‌پذیری

۳. توسعه فرهنگ دینی از طریق هم‌افزایی درون دینی و برون دینی.

«قل». اثر گذاری فرهنگی در جامعه ایمانی و حتی غیر ایمانی را محدود به شخصی یا گروه خاصی نمی‌داند. قرآن مؤمنان را به این باور می‌رساند که تک تک آنان، چه در جایگاه اکثریت و چه در جایگاه اقلیت ایمانی، بایستی کُنشگر و آموزگار فرهنگی باشند و خود را معاف از نقش فرهنگی ندانند.»
پایه این تحقیق خداوند با آوردن فعل امر «قل» در قرآن به دنبال سه هدف بوده است:
۱. ترویج فرهنگ گفت‌وگو که البته لزوماً اختصاصی به خلق ندارد و شامل خلق نیز می‌شود؛
۲. مسئولیت‌پذیری درون دینی و برون دینی.^(۱)
۳. توسعه فرهنگ دینی از طریق هم‌افزایی درون دینی و برون دینی.^(۲)
۴. هرچند «قل» در بدو امر خطاب به پیامبر بوده، اما این «قل» در قرآن نیز ذکر شده تا همه مسلمانان متوجه شوند که آنان نیز موظف به ابلاغ و گفتن قرآن هستند.^(۳)
برخی همه موارد استعمال «قل» در قرآن را بررسی و به این نتیجه رسیده‌اند که آمدن این فعل در قرآن حامل این پیام است که: «بخش وسیعی از معارف اسلامی و انتقال فرهنگ دینی اولاً از طریق گفتار قابل انجام است و نیازی به انجام رفتار نَساده؛ ثانیاً به‌صورت کُنش فردی، قابل اجراءست و لزوماً نیازمند اقدام جمعی نیست.» مطابق این تحقیق «قرآن کریم بر مبنای امر گفتاری

معارف MaarefKayhan@Kayhan.ir

در هنگام احتضار(بقره، آیه ۱۸۰) می‌شود. البته اولویت احسان نسبت به خویشان قبل از دیگران حتی نسبت به خویشان کافری که علیه مؤمنان تعدی ندارند، از اوامر خداوندی است(بقره، آیه ۸۳؛ نساء، آیه ۳۶؛ ممتحنه، آیات ۱ و ۸)، اما مشروط به آن است که خویشان کافر، اهل تعدی و تجسسز به خویشان مؤمن خود نباشند.(ممتحنه، آیات ۱ و ۸) همچنین از نظر قرآن، کسانی به خویشان خود که اهل تکبر (نساء، آیه ۲۴) و فخرفروشی هستند احسان نمی‌کنند.(همان)

مراعات عدالت در مصالح و منافع خویشاوندان می‌بایست همواره بر اساس رضایت الهی باشد. (نساء، آیه ۱۲۵) شکی نیست که تنها مؤمنانی به چنین امری تن می‌دهند که اهل هواهای نفسانی نباشند و به فسق گرایشی نداشته باشند(همان)؛ زیرا مؤمنانی که اهل تقوا و ابراهیم‌تقوا دانی‌ها هستند، به حقوق خویشاوندی اهتمام می‌ورزند.(نساء، آیه ۱)

آثار قطع رابطه خویشاوندی

صله رحم امری بسیار ارزشمند است؛ زیرا موجب می‌شود تا رابطه انسانی در ساختار انس و رحمت و احسان سامان یابد.

قطع روابط خویشاوندی هر چند که در آخرت هنگام مدیدن صور اسرافیل اتفاق می‌افتد تا هر کسی بر اساس «حسب» اصلی خویش یعنی ایمان و عمل صالح یا کفر و عمل ناصالح محاسبه و مجازات شود(مؤمنون، آیه ۱۰۱؛ ممتحنه، آیه ۳)، اما در دنیا، تنها کسانی قطع رحم دارند، که فاقد ایمان و گرفتار فسق و تافخر و تکبر باشند(بقره، آیات ۲۶ و ۲۷؛ مجادله، آیه ۲۲)، اما مؤمنان از گروه حزب‌الله به سبب تقوا و برای کسب رضایت خداوند، همواره در چارچوب دین عمل کرده و صلّه رحم را به جا می‌آورند.(همان)

به سخن دیگر، روحیه تجاوزگری، فسق (توبه، آیات ۷ تا ۱۰)، نفاق (محمد، آیه ۲۲)، عصبانتری(سراء، آیات ۱۴ تا ۱۶)، ا نفاق(اسراء، آیه مهم‌ترین عوامل قطع رحم است که آثاری چون: خسران ابدی(بقره، آیه ۲۷)، فرجام بد و ناگوار در قیامت(رعد، آیه ۲۵)، لعنت و نفرین الهی(همان؛ محمد، آیات ۲۲ و ۲۳)، عدم درک و شناخت نسبت به حقایق هستی(همان) و تکویش الهی(همان؛ بقره، آیه ۲۷) در پی دارد.

صله رحم نسبت به آن‌ها داده، گناه بزرگ است که آثار آن در دنیا و آخرت خود را نشان می‌دهد. از نظر نقلیین، هر‌گونه صلّه رحم موجب افزایش عمر و برکات خواهد شد، چنان‌که قطع رحم عامل کاهش عمر و بنودیم، خداوند سبحان و تعالی آدم و حوا و بهشت هرگونه قطع رحم با کسانی که خدا فرمان

صله رحم نسبت به آن‌ها داده، گناه بزرگ است که آثار آن در دنیا و آخرت خود را نشان می‌دهد. از نظر نقلیین، هر‌گونه صلّه رحم موجب افزایش عمر و برکات خواهد شد، چنان‌که قطع رحم عامل کاهش عمر و بنودیم، خداوند سبحان و تعالی آدم و حوا و بهشت هرگونه برستی قطع شود.»^(۶)

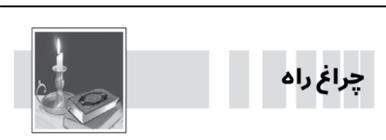
فعل امر «قل» به معنای «بگو» بیش از سیصد بار در قرآن آمده است. برخلاف تصور برخی، «قل» دستور خداوند به ابلاغ قرآن نبوده که پیامبر در راستای امانتداری آن را نیز در قرآن نقل کرده، بلکه جزئی از قرآن بوده است. درباره چرایی آمدن این فعل در قرآن دلیل‌های مختلفی بیان شده است. این کلمه نشان می‌دهد که قرآن جوشی از باطن پیامبر یا سخنی تراویده از ذوق و اندیشه آن حضرت نیست، بلکه پیامی است از برون و ایشان هیچ دخالتی در آن نداشته است. افزون بر این، هرچند «قل» در هنگام نزول فقط خطاب به پیامبر بوده، اما این «قل» در قرآن نیز ذکر شده تا همه مسلمانان متوجه شوند که آنان نیز موظف به ابلاغ و گفتن قرآن هستند؛ از این‌رو، می‌توان گفت: ازجمله اهداف قرآن «قل» در قرآن ترویج فرهنگ گفت‌وگو و تقویت مسئولیت‌پذیری همگانی است.

اسعدی، محمدمصطفی، کارکردشناسی فرهنگی واژه «قل» در قرآن کریم، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، پاییز ۱۴۰۰، ش. ۴۰، صص ۳۸۵-۴۰۶.
برای مطالعه بیشتر:
۱. آفرینی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی دره‌های از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸، ش. ۱۰، ج ۱، ص ۶۵۲.
۲. درباره‌ای ۲۳ سوره اسراء- این فعل به کارته‌ها اما خطاب این به پیامبر خدا نیست
۳. مستنیرتغری، موهبا،الرحمن فی تفسیر القرآن، شرکت سهامی چاپ کتب آذربایجان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ش. ۲۱۴، ص ۳۰۱.
۴. شریعی، محمد متولی، تفسیر انشعاری، بیروت، اخبار ایوم، اداره الکتب و المکتبات چاپ اول، ۱۹۹۱، ج ۱، ص ۶۱۶.
قرآنی، محمد، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی دره‌های از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸، ش ۶، ص ۵۹.
۵. قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی دره‌های از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸، ش. ۱۰، ج ۱، ص ۶۲۰.
۶. درکی یزدی، محمدمحمدی، آشنایی با علوم قرآنی، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ص ۲۵.
۷. میرمحمدی زیندی، ابوالفضل، تاریخ و علوم قرآن، تفسیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷، ص ۴۴.
۸. صدر، فید رضا، تفسیر سوره حجرات، به اهتمام سید باقر خسروشاهی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ش ۳۲۲، ص ۸.
دقفلان، اکبر، نسیم، رحمت، تفسیر قرآن کریم، قم، انتشارات برون، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۹۲۳.
۹. طالقانی، محمود، برتی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، ش. ۴، ص ۳۰۶.
۱۰. شمس، سعید، برسمان‌های قرآنی نماز، قم، انتشارات، سبط اکبر، چاپ اول، ۱۳۸۵، ش. ص ۲۱۶.
هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتب چاپ اول، ۱۳۸۶، ش. ۲، ص ۶۵۵.
۱۱. اسعدی، محمدمصطفی، کارکردشناسی فرهنگی واژه «قل» در قرآن کریم، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، پاییز ۱۴۰۰، ش. ۴۰، صص ۳۸۵-۴۰۶.
۱۲. شمس، سعید، برسمان‌های قرآنی نماز، قم، انتشارات، سبط اکبر، چاپ دوم، ۲۰۲۷، ص ۴۰۴.
۱۳. هاشمی، تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۳۴۴.
۱۴. «سندف با آوردن کلمه «قل» در آیه بیان ضرورت پاسخگویی به تبلیغات دشمنان این است.»
۱۵. قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی دره‌های از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸، ش. ۱۰، ج ۱، ص ۶۲۰.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۲۰۲۷، ص ۵۹.
۱۷. قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی دره‌های از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸، ش. ۱۰، ج ۱، ص ۶۲۰.
۱۸. طالقانی، محمود، برتی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، ش. ۴، ص ۳۰۰.
۱۹. طالقانی، محمود، برتی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، ش. ۴، ص ۲۸۳.
۲۰. هادی غلامرضاوی

صفحه ۷

یکشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۴

۴ رمضان ۱۴۴۷ – شماره ۸۴-۲۴



چراغ راه

خورشید پشت ابَر

قال الامام المهدي(عج): «اما وجه الانتفاع بي في غيبتي، فكالاتنفاع بالشمس اذا غيبتها عن الابصار السحاب».

امام مهدی(عج) فرمود: «چگونگی بهره‌مند شدن از من در روزگار غیبتم، همچون بهره‌مند شدن از خورشید است، آنگاه که در پس ابر از دیدگان پنهان شود.»^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲، ح ۷



حکایت خوبان

آثار و برکات وجودی معصومین(ع)

امام صادق(ع) از پدرش و از امام سجاد(ع) نقل کرده است که فرمود: ما پیشوایان مسلمانان و حجت‌های خداوند متعال بر جهانیان و سرور مؤمنان و رهبر سپید چینیان و مولای اهل ایامیم، و ما کسانی اهل زمینیم، همچنان که ستارگان آمان اهل آسمانند، و ما کسانی هستیم که خداوند سبحان به واسطه ما آسمان را نگهداشته تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او، و به واسطه ما زمین را نگاه داشته تا اهلس را نلرزاند. به سبب ما باران را فرو فرستد و رحمت را منتشر کند و برکات زمین را خارج سازد، اگر نبود که ما بر روی زمینیم، اهلس را فرو می‌برد.(۱)

۱- کمال‌الدین و تمام‌انعمه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۲۲



پرشش و پاسخ

فوائد غیبت امام زمان(عج) (۱)

پرشش:

امامی که غایب است و پیروانش به او دسترسی ندارند تا نیازها و مشکلاتشان را رتق و فتق نمایند، اساسا چه فایده‌ای می‌تواند برای پیروان خود داشته باشد؟

پاسخ:

۱- مفهوم غایب بودن امام

مفهوم غایب بودن امام مهدی(عج) به این معنا نیست که آن حضرت وجود ناپیدا و رؤیایی دارد، بلکه آن حضرت مانند سایر انسان‌ها از یک زندگی طبیعی، عینی و خارجی برخوردار است، به طوری که آن امام در میان مردم و در دل جامعه رفت و آمد دارد و گفتار مردم را می‌شنود و در اجتماعات آنها حضور دارد و سلام می‌کند. آری او مردم را می‌بیند ولی ایسن مردمند که نمی‌توانند جمال مبارک آن حضرت را ببینند، به بیان دیگر این مردمند که از امام خویش غایبند، همان‌گونه که خود آن حضرت از وجود نافع خویش در زمان غیبت کبری که خویشید پشت ابر تعبیر می‌فرماید. (بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۹۲)

۲- فواید غیبت امام مهدی(عج)

الف) فواید تکوینی امام

۱- خلقت جهان هستی به برکت وجود مطهر معصومین(ع)
روایات فراوانی به این حقیقت اشاره دارد که جهان هستی به برکت وجود نور پاک معصومان(ع) آفریده شده است. پیامبر اکرم(ص) خطاب به امام علی(ع) می‌فرماید: «یا علی! لولا نحن، ما خلق‌الله آدم و لا حوا، و لا الجنة و لاالارض و لا السماء و لا الارض» ای علی! اگر ما نبودیم، خداوند سبحان و تعالی آدم و حوا و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را نمی‌آفرید. (عیون اخبار الرضا(ع، ج ۲، ص ۲۲۷)

۲- امام، قلب عالم امکان و واسطه فیض الهی

بر اساس احادیث فراوانی که در بحث امامت وارد شده و دلایلی که دانشمندان ارائه کرده‌اند، در بیشن اسلامی، امام جان و روح جهان است، و عالم هستی به وجود او وابستگی تکوینی دارد. امام قلب عالم وجود و هسته مرکزی جهان هستی و واسطه وجودی فیض بین عالم و آفریدگار هستی است، و از این جهت حضور و غیبت او تفاوتی ندارد، و اگر آن حضرت ولو به صورت ناشناس در جهان نباشد، جهان هستی در هم فرو می‌ریزد. چنانکه امام صادق(ع) می‌فرماید: «اگر زمین بدون وجود امام بماند، ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد.»(کمال‌الدین و تمام‌انعمه، شیخ صدوق، ص ۲۰۱)
۳- امام سبب ایمنی از بلاها برای اهل زمین و آثار رحمت
امام صادق درباره فواید تکوینی امام مهدی(ع) می‌فرماید: «به سبب ما درختان میوه می‌دهند، میوه‌ها به ثمر می‌رسند، و رودها جاری می‌شوند، و به سبب ما ابر آسمان می‌بارد، و گیاهان از زمین می‌رویند و به بندگی ما خداوند عزوجل پرستیده می‌شود، و اگر ما نبودیم، هرگز خداوند متعال پرستیده نمی‌شد.» (همان، ج ۱، ص ۱۴۴، ح ۲۳)

همچنین امام صادق(ع) می‌فرماید: «ما کسانی هستیم که خداوند متعال به واسطه ما، آسمان را نگاه داشته تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او، و به واسطه ما زمین را نگاه داشته که اه